



مهدی (عج)، طاووس اهل بهشت است / شبیه‌ترین مردم به رسول خدا (ص)

بیشتر مشخصاتی که برای سیمای ظاهری امام مهدی (ع) ذکر شده، به طور مشترک، در روایات شیعی و سنی آمده است و از این جنبه اشتراک نظر زیادی میان فرق اسلامی وجود دارد.

بیشتر مشخصاتی که برای سیمای ظاهری امام مهدی (ع) ذکر شده، به طور مشترک، در روایات شیعی و سنی آمده است و از این جنبه اشتراک نظر زیادی میان فرق اسلامی وجود دارد.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر برشی از کتاب «معرفت امام زمان» اثر ابراهیم شفیعی سروستانی است که در ادامه می خوانید؛

نویسنده ارجمند کتاب مکالمات، در بخش چهارم کتاب خود، جمال و زیبایی حضرت مهدی (ع) را یکی از ویژگی های آن حضرت می شمرد و می نویسد:

بدان که مولای ما حضرت صاحب الزمان (ع)، زیباترین و خوش صورت ترین مردم است؛ زیرا شبیه ترین مردم به پیامبر اکرم (ص) است. [۱]

از بررسی روایات و مطالعه حکایت های نیک بختانی که توفیق زیارت آن امام را یافته اند، برمی آید که قامت و رخسار نازنین امام عصر (ع) در کمال زیبایی و اعتدال بوده و سیمای مبارکش، دل ربا و خیره کننده است.

همین قامت رعنا و رخسار دل ربا موجب شده است هزاران عاشق دل سوخته در آغاز هر صبح بازاری و التماس از خدای خود چنین بخواهند:

اللَّهُمَّ ارْنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْعُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَ الْكُحْلُ نَاطِرِي يَنْظُرُهُ مِنِّي إِلَيْهِ. [۲]

خداوند! آن چهره زیبا و جمال دل آرا را به من بنمای و چشمان مرا با یک نظر به او روشنایی بخش.

آن حضرت، افزون بر همه زیبایی های ظاهری، جامع همه کمالات روحی و سجایای اخلاقی نیز هست. همین امر موجب شده که ایشان از نظر خلق و خو، شبیه ترین مردم به پیامبر باشد.

از آنجا که آشنایی بیشتر با صفات و خصال یوسف زهرا، حضرت مهدی (ع) راهی برای شناخت مدعیان دروغین به شمار می آید و افزون بر این می تواند موجب انس و ارتباط شیعیان با آن عزیز غایب از نظر باشد، با بهره گیری از کلمات معصومان (ع) و حکایت های نقل شده از تشرف یافتگان، به بررسی این موضوع می پردازیم. باشد تا به مصداق «وصف العیش نصف العیش»، ما هم از آن جمال دل آرا بهره مند شویم.

سیمای ظاهری

روایات فراوانی در توصیف جمال دل آرای آخرین حجت خدا، حضرت مهدی (ع) وارد شده است که در مجموع آنها را به دو بخش می توان تقسیم کرد:

الف) روایاتی که به توصیف کلی سیرت و صورت آن حضرت، بسنده و از ایشان به عنوان شبیه ترین مردم به رسول خدا (ص) یاد کرده اند که از آن جمله به روایات زیر می توان اشاره کرد:

۱. از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است که پیامبر گرامی اسلام فرمود:

المَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، إِسْمُهُ إِسْمِي، وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي، أَشْبَهَ النَّاسَ بِي خَلْقًا وَ خُلُقًا.... [۳]

مهدی از فرزندان من است. اسم او، اسم من و کنیه او، کنیه من است. او از نظر خلق و خلق، شبیه ترین مردم به من

است.

۲. احمد بن اسحاق بن سعد قمی می گوید: از امام حسن عسکری (ع) شنیدم که می فرمود:

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى أَرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي، أَشْبَهَ النَّاسَ بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) خَلْقًا وَ خُلُقًا... [۴]

سپاس از آن خدایی است که مرا از دنیا نبرد تا آنکه جانشین مرا به من نشان داد. او از نظر آفرینش و اخلاق، شبیه ترین مردم به رسول خدا (ص) است.

با توجه به این روایات، همه خصال و صفاتی را که در قرآن و روایات به پیامبر گرامی اسلام نسبت داده شده است، به وجود مقدس امام مهدی (ع) نیز می توان نسبت داد. روایاتی که به توصیف ویژگی های ظاهری پیامبر اکرم (ص) پرداخته اند، فراوانند. در اینجا به یکی از آنها اشاره می کنیم. در روایتی که از امام محمد باقر (ع) نقل شده، ویژگی های ظاهری پیامبر خاتم چنین توصیف شده است:

رخسار پیامبر خدا، سپید آمیخته به سرخی و چشمانش سیاه و درشت و ابروانش به هم پیوسته و کف دست و پایش پر گوشت و درشت بود؛ بدان سان که گویی طلا بر انگشتانش ریخته باشد. استخوان دو شانه اش بزرگ بود. چون به کسی روی می کرد، به خاطر مهربانی شدیدی که داشت، با همه بدن به جانب او توجه می کرد. یک رشته موی از گودی گلو تا نافش رویده بود، انگار که میانه صفحه نقره خالص، خطی کشیده شده باشد. گردن و شانه هایش مانند گلاب پاش سیمین بود. بینی کشیده ای داشت که هنگام آشامیدن آب نزدیک بود به آب برسد. هنگام راه رفتن محکم قدم برمی داشت که گویا به سرازیری فرود می آید. باری، نه قبل و نه پس از پیامبر خدا کسی مثل او دیده نشده است. [۵]

ب) روایاتی که خصال و سیمای امام مهدی (ع) را به تفصیل بیان کرده و ویژگی های آن حضرت را یک به یک برشمرده اند. برخی از روایاتی که در این زمینه وارد شده، به شرح زیر است:

۱. پیامبر گرامی اسلام، امام مهدی را شبیه خود معرفی کرده و در توصیف او می فرماید:

يَأْيُي وَ أُمِّي سَمِيَّةٍ وَ شَيْبِيهِ وَ شَيْبِيهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، عَلَيْهِ جُيُوبٌ [جَلَابِيْبُ] التَّوْرِ تَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ الْقُدْسِ. [۶]

پدر و مادرم به فدای او که هم نام من، شبیه من و شبیه موسی زاده عمران است. بر [بدن] او نوارهایی [جامه هایی] از نور است که از شعاع قدس روشنایی می یابد.

۲. آن حضرت در روایت دیگری در توصیف چهره فرزندش، امام مهدی (ع) می فرماید:

الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي وَجْهَةٌ كَالْقَمَرِ الدَّرِيِّ... [۷]

مهدی از فرزندان من است. چهره او مانند ماه درخشانده است.

۳. پیامبر اعظم (ص) در روایتی، پیشانی و بینی امام مهدی (ع) را این گونه توصیف می کند:

الْمَهْدِيُّ مِنِّي أَجَلَى الْجِبْهَةِ أَقْنَى الْأَنْفِ... [۸]

مهدی از من است، پیشانی گشاده و بینی کشیده دارد.

۴. در روایت دیگری که از پیامبر خاتم (ص) نقل شده، رنگ چهره و اندام امام مهدی (ع) چنین توصیف شده است:

الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي لَوْنُهُ لَوْنُ عَرَبِيٍّ وَ جِسْمُهُ جِسْمُ إِسْرَائِيلِي عَلَى خَدِّهِ الْأَيْمَنِ خَالٌ كَأَنَّهُ كَوُكَبٌ دُرِّيٌّ... [۹]

مهدی مردی از فرزندان من است رنگ [چهره] او رنگ عربی [۱۰] و اندام او اندام اسرائیلی [۱۱] است بر گونه راست او خالی است که همانند ستاره درخشان است.

۵. با توجه به همه ویژگی های یاد شده است که پیامبر اسلام در وصف امام مهدی (ع) می فرماید:

المَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلُ الْجَنَّةِ. [۱۲]

مهدی، طاووس اهل بهشت است.

۶. امام باقر (ع) از پدرش و جدش روایت می کند که روزی امام علی (ع) در حالی که بالای منبر بود، فرمود:

يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ أبيضُ اللونِ، مُشَرَّبٌ بِالْحُمْرَةِ، مَنْدَحُ [مَبْدَحُ] البَطْنِ، عَرِيضُ الفَخْدَيْنِ، عَظِيمُ مَشَاشِ المِنكَبَيْنِ، يَطْهَرُهُ شَامَتَانِ؛ شَامَةٌ عَلَى لَوْنِ جِلْدِهِ وَ شَامَةٌ عَلَى شِبْهِ شَامَةِ النَّبِيِّ (ص)... [۱۳]

از فرزندان من در آخرالزمان، مردی ظهور می کند که رنگ [صورتش] سفید متمایل به سرخی و سینه اش فراخ و ران هایش ستبر و شانه هایش قوی است و در پشتش دو خال است، یکی، به رنگ پوستش و دیگری، مشابه خال پیامبر اکرم درود خدا بر او و خاندانش باد.

۷. امام رضا (ع) نیز در بیان صفات و ویژگی های امام عصر (ع) می فرماید:

إِنَّ الغَايِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشَّيْخِ وَ مَنْظَرِ الشَّبَابِ، قَوِيًّا فِي بَدَنِهِ حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الأَرْضِ لَقَلَعَهَا وَ لَوَصَّاحَ بَيْنَ الجِبَالِ لَتَدَكَّدَكَتْ صُحُورُهَا. [۱۴]

قائم کسی است که در سن پیرمردان و با چهره جوانان قیام کند و نیرومند باشد تا بدان جا که اگر دستش را به سوی بزرگ ترین درخت روی زمین دراز کند، آن را از جای برکند و اگر بین کوه ها فریاد برآورد، صخره های آن فروپاشد.

۸. حضرت رضا (ع) در روایت دیگری، در پاسخ اباصلت هروی که از ایشان پرسید: «نشانه های قائم شما هنگام ظهور چیست؟» می فرماید:

عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السِّنِّ، شَابَّ المَنْظَرِ، حَتَّى أَنَّ النَّاطِرَ إِلَيْهِ لِيَحْسَبَهُ ابْنَ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْ ذَوْتَهَا وَ إِنَّ مِنْ عِلَامَاتِهِ أَنْ لايَهْرَمَ يَمْرُورَ الأَيَّامِ وَ اللَّيَالِي حَتَّى يَأْتِيَهُ أَجَلُهُ. [۱۵]

نشانه اش این است که در سن پیری است، ولی منظرش جوان است، به گونه ای که بیننده می پندارد چهل ساله یا کمتر از آن است. نشانه دیگری آن است که به گذشت شب و روز پیر نشود تا آنکه اجلش فرا رسد.

۹. ابراهیم بن مهزیار نیز که به شرف ملاقات امام مهدی (ع) رسیده است، در بیان خصال آن امام می گوید:

او جوانی نوری و نورانی و سپید پیشانی بود با ابروانی گشاده و گونه ها و بینی کشیده و قامتی بلند و نیکو چون شاخه سرو. گویا پیشانی اش ستاره ای درخشان بود و برگونه راستش، خالی بود که مانند مشک و عنبر بر صفحه ای نقره ای می درخشید. بر سرش، گیسوانی پرپشت و سیاه و افشان بود که روی گوشش را پوشانده بود. سیمایی داشت که هیچ چشمی برازنده تر و زیباتر و باطمینانه تر و باحیاط تر از آن ندیده است. [۱۶]

۱۰. علی بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی که بیست مرتبه به شوق دیدار امام مهدی (ع) به حج مشرف شد و سرانجام نیز به توفیق دیدار آن حضرت دست یافت، در گزارش دیدار خود چهره و قامت دلربای امام را این گونه توصیف می کند:

... وَ هُوَ كَأَفْحَوَاتِيَةِ أَرْجَوَانَ قَدْ تَكَاثَفَ عَلَيْهَا النَّدى وَ أَصَابَهَا أَلْمُ الهَوَى [۱۷] وَ إِذَا هُوَ كَعَضْنِ بَانٍ أَوْ قَصِيبِ رِيحَانٍ، سَمِخٌ، سَخِيٌّ تَقِيٌّ تَقِيٌّ لَيْسَ بِالطَّوِيلِ السَّمِخِ وَ لَا بِالقَصِيرِ اللَّازِقِ بَلْ مَرَبُوعِ القَامَةِ، مَدَوَّرِ الهَامَةِ، وَاسِعِ الصَّدْرِ، صَلْتِ الجَبِينِ، مَقْرُونُ الحَاجِبَيْنِ، عَلَى خَدَّيْهِ الأَيْمَنِ خَالٌ كَأَنَّهُ فَنَاتُ المِسْكِ عَلَى رَضْرَاصَةِ عَنَبَرٍ. [۱۸]

[رخسار] او [در لطافت] مانند [گل های] بابونه [و در رنگ، مانند] ارغوان بود که بر آن شبنم نشسته و [شدت سرخی اش را] هوا شکسته است. او در این حال، همچون شاخه درخت «بان» [۱۹] یا ساقه ریحان [خوش بو] بود. نرم خو، بخشنده، پرهیزکار و پیراسته بود. او میانه بالا بود، نه بسیار بلند قد و نه بسیار کوتاه قد. صورتی گرد، سینه ای فراخ،

پیشانی سفید و ابروانی به هم پیوسته داشت. بر گونه راست او خالی بود؛ چون دانه مشک که بر قطعه عنبر ساییده باشد.

گفتنی است بیشتر مشخصاتی که برای سیمای ظاهری امام مهدی (ع) ذکر شده، به طور مشترک، در روایات شیعی و سنی آمده است و از این جنبه اشتراک نظر زیادی میان فرق اسلامی وجود دارد. [۲۰]

[۱]. سید محمدتقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم فی فواید الدعا للقائم (ع)، ترجمه: سید مهدی حائری قزوینی، چاپ دوم: تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۴۱۲ ه. ق، ج ۱، ص ۱۳۲.

[۲]. «قسمتی از دعای عهد»، بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۱۱؛ شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان.

[۳]. کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه: منصور پهلوان، چاپ اول: قم، سازمان چاپ و نشر دارالحديث، ۱۳۸۰، ج ۱، باب ۲۵، صص ۵۲۴ و ۵۲۵، ج ۱.

[۴]. همان، ج ۲، باب ۲۸، ص ۱۱۸، ج ۷.

[۵]. الکافی، ج ۱، ص ۴۴۳.

[۶]. بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۳۷، ج ۲۰۰.

[۷]. همان، ج ۵۱، ص ۹۱.

[۸]. همان، ص ۹۰.

[۹]. همان، ص ۹۵.

[۱۰]. رنگ عربی، گندم گون یا سفید است. در برخی روایات وارد شده است که رنگ چهره امام مهدی (ع) همانند رنگ چهره پیامبر اکرم (ص)؛ یعنی سپید آمیخته به سرخی است.

[۱۱]. مراد از اندام اسرائیلی، اندام فرزندان یعقوب (ع) است که به داشتن قد بلند و اندام رشید مشهور بودند.

[۱۲]. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۹۱.

[۱۳]. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۵۷، ص ۵۶۰، ج ۱۸.

[۱۴]. همان، باب ۳۵، ص ۶۹، ج ۸.

[۱۵]. همان، باب ۵۷، ص ۵۵۸، ج ۱۲.

[۱۶]. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۳، ص ۴۴۶، ج ۱۶.

[۱۷]. علامه مجلسی (ره) در شرح عبارت یاد شده می نویسد: «فیروزآبادی گوید: «أَفْحَوَانٌ» به معنای «بابونه» و «أَرْجَوَانٌ» به معنای رنگ سرخ است». شاید معنای عبارت یاد شده این باشد که او در لطافت مانند [گل های] بابونه و در رنگ مانند ارغوان است؛ زیرا بابونه سفید است. بعید نیست که عبارت در اصل چنین بوده باشد: «[و هو] كأفحوانه و أرجوان [قد تکائف] علیها [الندی] و أصابهما [ألم الهوی]»؛ [او] مانند بابونه و ارغوان بود که بر آنها [شبنم نشسته] و [نسیم هو] آنها را حرکت داده است.» یا اینکه «ارجوان» بدل «افحوان» بوده است و نسخه نویسان آنها را با هم جمع کرده اند.

تعبیر «قد تکائف علیها الندی؛ بر آن شبنم نشسته بود» به عرق نشسته بر گونه های آن حضرت و عبارت «أصابها ألم الهوی» به شکسته شدن رنگ سرخ گونه ایشان و کم شدن شدت آن، یا به مخلوط شدن رنگ سفید یا سرخ گونه آن

جناب با گندم گونی، اشاره دارد؛ یعنی در بیان گندم گون بودن چهره آن جناب نهایت ادب را به کار برده است. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲.

[۱۸]. کتاب الغیبة (طوسی)، صص ۱۶۰ و ۱۶۱؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۴۳، صص ۴۶۸ و ۴۶۹، ج ۲۳ (با اندک تفاوتی در متن روایت)؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱، ج ۶.

[۱۹]. «بان» درختی است نازک و خوش نما که از تخم آن روغن گیرند و بسیار نافع و خوشبو است. در اشعار فارسی نیز این واژه به کار رفته است. رودکی می گوید: از زلف تو بوی عنبر و بان آید / زان تنگ دهان هزار چندان آید. قامت بلند و زیبا را نیز به این درخت تشبیه می کنند. علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۳، ص ۴۳۰۱، فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۴۶۹؛ خلیل جرّ، فرهنگ لاروس، ترجمه: سیدحمید طبیبیان، چاپ نهم: تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۲۵.

[۲۰]. ر. ک: الهيئة العلمية فی مؤسسة المعارف الإسلامية، معجم أحادیث الإمام المهدي (ع)، تحت اشراف: علی کورانی، چاپ اول: قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ ه. ق، ج ۱، ص ۱۰۸، ج ۶۱؛ ص ۱۱۳، ج ۶۵؛ ص ۱۲۶، ج ۷۱؛ ص ۱۳۰، ج ۷۲؛ ص ۱۶۲، ج ۹۰ و ص ۳۳۸، ج ۲۲۲.